

وزارت علم، تحقیقات و فناوری



موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

میز آینده پژوهی آموزش عالی ایران

پنل 3

سناریو نویسی و تنظیم راهبردها

برای برنامه ششم توسعه

(بخش آموزش، علم و فناوری)



مهر ماه 1393

ارائه مدل سناریو نویسی: دکتر مقصود فراستخواه

تحریر و تدوین مباحث پنل: حسین سمیعی



بر اساس



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

میز آینده پژوهی آموزش عالی ایران

میز آینده پژوهی آموزش عالی ایران

پنل 3

سناریونویسی و تنظیم راهبردها

برای برنامه ششم توسعه

(بخش آموزش، علم و فناوری)

ارائه مدل سناریونویسی

دکتر مقصود فراستخواه

تحریر و تدوین مباحث پنل

حسین سمیعی

مهر ماه 1393



شناسه گزارش

اعضای پنل: دکتر جعفر توفیقی (رئیس پنل)؛ دکتر نسرین نورشاهی (رئیس موسسه)، دکتر رضا منیعی (معاون پژوهشی موسسه)؛ دکتر صدیقی (مشاور وزیر در برنامه ششم)؛ دکتر یعقوب انتظاری؛ جناب آقای احمد رضا روشن، سرکار خانم مریم حسینی لرگانی؛ دکتر مقصود فراستخواه؛ حسین سمیعی. همکار تدوین گزارش: سمیه اشراقی	شماره گزارش: گزارش 3 عنوان گزارش: سناریو نویسی و تنظیم راهبردها تاریخ برگزاری پنل: یک شنبه - 1393/7/6 موضوع پنل: سناریو نویسی و تنظیم راهبردها برای برنامه ششم توسعه (بخش آموزش عالی، علم و فناوری) مکان برگزاری پنل: موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی. ارائه مدل سناریونویسی: دکتر مقصود فراستخواه تحریر و تدوین مباحث پنل: حسین سمیعی
--	---

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
5	1- مقدمه: درباره پنل و روش کار
6	2- دستور کار پنل، روش و چارچوب بحث
6	طرح بحث اولیه توسط دکتر مقصود فراستخواه (عضو هیات علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی): ارائه مدل سناریونویسی
8	3- دیدگاه‌های اعضای پنل
12-11-9-8 19-18-17-14	دکتر جعفر توفیقی _ استاد دانشگاه تربیت مدرس و رئیس پنل
12-10-9	دکتر جعفر صدیق (مشاور وزیر در برنامه ششم)
18-16-15-10	دکتر مقصود فراستخواه
19-17-13-11	دکتر یعقوب انتظاری (عضو هیات علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی)
13	دکتر رضا منیعی (معاون پژوهشی و عضو هیات علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی)
17-14	آقای احمد رضا روشن (عضو هیات علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی):
15	خانم مریم حسینی (عضو هیات علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی):



1- مقدمه: درباره پنل و روش کار

پنل میز آینده پژوهی ویژه بخش آموزش عالی و علم و فناوری برنامه ششم توسعه با حضور ریاست پنل جناب آقای دکتر جعفر توفیقی و اعضای پنل و با موضوع «مهمترین موضوعات قانونی در آینده نظام علمی و آموزش عالی کشور برای ملاحظه آنها در تدوین برنامه ششم توسعه (بخش آموزش، علم و فناوری)» ساعت 8 الی 11 روز یکشنبه 6 مهرماه 1393 در محل موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی برگزار شد. در این پنل پس از طرح بحث و روش کار و چارچوب سناریو نویسی توسط دکتر مقصود فراستخواه، هر یک از اعضای پنل دیدگاه‌های خود را درباره مهمترین موضوعات قانونی در آینده نظام علمی و آموزش عالی کشور برای ملاحظه آنها در تدوین برنامه ششم توسعه (بخش آموزش، علم و فناوری)، بیان کردند.





2 - دستور کار پنل، روش و چارچوب بحث

در ابتدای پنل دکتر مقصود فراستخواه با اشاره به نتیجه پنل پیشین، دستور کار، روش و چارچوب بحث پنل حاضر را توضیح دادند. ایشان کاربرگ سناریو نویسی و تنظیم راهبردها را به شرح زیر ارائه و مورد مثالی را بیان کردند:

دکتر مقصود فراستخواه (عضو هیات علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی):

ارائه مدل سناریونویسی:

اگر برای مثال هفتمین موضوع قانونی از موضوعات قانونی پانزده گانه نتیجه گیری شده از مباحث قبلی را در نظر بگیریم که «آموزش و برنامه های درسی» بود، در آنجا یکی از زیر عنوان ها پدیده صندلی های خالی در ظرفیت دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی تلقی شد. اکنون طبق کاربرگی در خدمت اعضای پنل قرار گرفته است می توانیم درباره این پدیده برای مثال تأمل و بحث بکنیم، بدین شکل:

اهداف برنامه ای برای برنامه ششم توسعه	مداخلات راهبردی لازم	سناریوها		
		حرکت به وضع مطلوب	بهبود وضع موجود	ادامه وضع موجود
حمایت از ایجاد نهاد ملی اعتبار سنجی با همکاری دانشگاه ها، انجمن های حرفه ای و تخصصی و دولت به عنوان عضوی از شبکه بین المللی نهادهای تضمین کیفیت در آموزش عالی و فعالیت آن با استفاده از ممیزین بین المللی	مشروط شدن پذیرش دانشجو برای دوره های موجود و مجوز دهی دوره های جدید به نتایج اعتبار سنجی	حمایت هدفمند دولت از آموزش عالی به عنوان سرمایه گذاری ملی با استفاده از بازار بین المللی اعتبار سنجی آموزش عالی	بهبود کیفیت با تشکیل کنسرسیومهای دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی	افت کیفیت و بی اعتباری آموزش دانشگاهی
دولت مکلف می شود در طول سالهای برنامه ششم از طریق این نهاد به صورت زمان بندی پنجساله دو هدف زیر را متحقق سازد:	رشد تحصیلات تکمیلی صرفا در دانشگاه های پژوهشی	درجه بندی دانشگاه ها بر مبنای نتایج اعتبار سنجی	افزایش دوره های کاردانی	پولی شدن و مدرک گرایی
الف. پذیرش دانشجو برای دوره های موجود و صدور مجوز دوره های جدید منوط به نتایج اعتبار سنجی می شود که زیر نظر نهاد ملی اعتبار سنجی صورت می گیرد	بر مبنای درجه بندی	حمایت از بین المللی شدن آموزش عالی با آموزش دو زبانی (فارسی و انگلیسی) و با جذب استادان و دانشجویان خارجی	افزایش دوره های آموزش عالی آزاد	رو به زوال گذاشتن بخش غیر دولتی و مؤسسات غیر انتفاعی
ب. همه دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی زیر نظر نهاد ملی اعتبار سنجی درجه بندی می شود				مهاجرت برای تحصیل در منطقه جهان



سه سناریو ممکن است در پیش روی ما باشد :

❖ **سناریوی نخست** ادامه وضع موجود است. که در آن با افت کیفیت و بی اعتباری آموزش دانشگاهی، پولی شدن و مدرک گرایی و رو به زوال گذاشتن بخش غیر دولتی و مؤسسات غیر انتفاعی خواهد بود لابد می دانید که حدود نیم میلیون دانشجو در حوالی سیصد مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی با کمتر از 3000 هیأت علمی تمام وقت وبا شاخص دانشجو به استاد 166 (60 در کل غیر دولتی)!! تحصیل می کنند ، نتیجه این وضعیت مهاجرت فرزندان سرزمین ما برای تحصیل به منطقه وجهان خواهد بود چون آنها انتخاب عقلانی می کنند!

❖ **سناریوی دوم** بهبود وضع موجود است که مثلاً با تشکیل کنسرسیومهای دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی و از طریق فعالیت هر خوشه از مؤسسات آموزش عالی کوچک در هماهنگی کنسرسیومی با یک قطب دانشگاهی با کیفیت و جافتاده امکان پذیر می شود. برای مثال بدین صورت که مؤسسات غیر انتفاعی به جای برگزاری دوره های ارشد ودکتری! به افزایش دوره های کاردانی و افزایش دوره های آموزش عالی آزاد بپردازند و بتوان به بهبود کیفیت آموزش عالی نزدیک شد.

❖ **اما سناریوی سوم** عزیمتی سیستماتیک و اساسی به وضع مطلوب است که مثلاً از طریق تعریف مجدد نقش دولت در آموزش عالی به صورت حمایت هدفمند او از آموزش عالی به عنوان سرمایه گذاری ملی با استفاده از اطلاعات گرفتن از بازار بین المللی اعتبار سنجی آموزش عالی ، طبقه بندی دانشگاه ها بر مبنای نتایج اعتبار سنجی و حمایت از بین المللی شدن آموزش عالی با آموزش دو زبانی (فارسی وانگلیسی) و با جذب استادان ودانشجویان خارجی است.



اکنون پرسش این است برای سناریوی سوم عزیمت به وضع مطلوب، چه مداخلات راهبردی لازم داریم؟ پاسخ مثلاً این است:

- **راهبرد اول:** پذیرش دانشجو برای دوره های موجود ومجاز دهی دوره های جدید مشروط ومنوط به نتایج اعتبار سنجی بشود.
- **راهبرد دوم:** رشد تحصیلات تکمیلی صرفاً در دانشگاه های پژوهشی برمبنای درجه بندی امکان پذیر باشد.

سؤال نهایی ما این است که در ارتباط با این راهبردها چه اهداف برنامه ای برای برنامه ششم توسعه مناسب است؟ پاسخ هر چه باشد همان مواد قانونی واحکام برنامه ششم خواهد بود مثلاً این دو ماده مورد نیاز در احکام برنامه ششم:



- ماده ۴۰۰: دولت مکلف می شود در سال اول برنامه حمایت ها و جلب مشارکت لازم را فراهم بیاورد تا نهاد ملی اعتبار سنجی با همکاری دانشگاه ها، انجمن های حرفه ای و تخصصی، و دولت به صورت عضوی از « شبکه بین المللی نهادهای تضمین کیفیت در آموزش عالی » ایجاد، و فعالیت آن با استفاده از ممیزین بین المللی از سال نخست برنامه آغاز شود
- ماده ۴۰۱: دولت مکلف می شود در طول سالهای برنامه ششم از طریق « نهاد ملی اعتبار سنجی » مندرج در ماده ... به صورت زمان بندی پنجساله دو هدف زیر را متحقق سازد:

الف. پذیرش دانشجو برای دوره های موجود و صدور مجوز دوره های جدید، منوط به نتایج اعتبار سنجی می شود که زیر نظر نهاد ملی اعتبار سنجی صورت می گیرد.

ب. همه دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی زیر نظر نهاد ملی اعتبار سنجی طبقه بندی می شود

3 - دیدگاه های اعضای پنل

در ادامه دیدگاه های هر یک از اعضای پنل ارائه شده است:

دکتر جعفر توفیقی (استاد دانشگاه تربیت مدرس و رئیس پنل):

من استنباطم این است شما در اینجا به عنوان همکاران و متفکرین برنامه ششم دارید نقش ایفا می کنید. با توجه به جدولی که در پیش روی من قرار دارد الان یک راه می تواند این باشد که ما به این ۱۵ تا نگاه کنیم، که البته من بحث بین المللی و جهانی را کم رنگ می بینم. اگر که این ۱۵ مورد را مبنا قرار دهیم احیاناً اگر چیزی هم از قلم افتاده به تدریج در جلسات مشخص می شود، ولی فعلاً این ۱۵ مورد مشخص است. می توانیم این ۱۵ مورد را نگاه کنیم و مثلاً بگوییم اولویت بند ۸ (پژوهش و تولید دانش) است، بعد نگاه کنیم به چالش های آن که (عدم تقاضای واقعی برای پژوهش، آیا این مقالات در رفاه اجتماعی یا کیفیت زندگی تاثیر دارد؟ آیا پاسخگویی اجتماعی برای نظام علمی لازم است؟) می باشند. یعنی از دید این جلسه دو مورد استراتژیک پژوهش و تولید دانش به عنوان چالش شناخته شده است. در مورد اینها صحبت کنیم تا ببینیم نظر جلسه روی این موضوعات کانونی چیست آیا می خواهیم در برنامه بیاوریم یا نه؟



مثلاً در مورد آموزش و برنامه های درسی، شش چالش شناخته شده است، در این مورد اینها بحث کنیم و بگوییم می خواهیم دو حکم از این موارد وارد برنامه ششم شود.



دکتر جعفر صدیق (مشاور وزیر در برنامه ششم):

عناوین چالش ها خودش یک مشخصه ای دارد، یعنی به اندازه کافی باید وسیع باشد، واقعا باید چالش باشد، مثلا همان بند 8، که دارای 2 چالش بود، من دو تا را در یکی ادغام کردم تحت عنوان عدم یا ضعف مأموریت گرایی در پژوهش، یا مثلا در بند 9، فقدان نظام ملی نوآوری، یا نقصان نظام ملی نوآوری که این شامل همه آن 5 چالش در بند 9 می شود.



الان در مورد بند 8 (پژوهش و تولید دانش) حرفهای خاصی می شود زد مثلا ما یک زمانی گفتیم که در پژوهش ساختار نداریم، یک زمانی گفتیم اولویت پژوهشی نمی شناسیم، من خودم در دوره ای که برنامه چهارم را دنبال می کردیم یک بحث اساسی تر را متوجه شدم و آن اینکه مأموریت واحدهای پژوهشی ما مشخص نیست، هر کسی از کجا تا کجا باید کار کند؟ این مثل این است که دبستان یک مأموریت، دبیرستان یک مأموریت و دانشگاه هم یک مأموریتی دارد، از یک جا شروع می شود از یک جایی تموم می شود، در انجا اولویت از جنس انواع رشته است، من الان اصلی ترین گرفتاری که می بینم این است که پژوهشگاه پلیمر درست می کنیم از تحقیق basic شروع به انجام دادن می کند تحقیق توسعه ای، مرکز رشد می زند و... زنجیره 0 تا 100 خودش را می خواهد دنبال کند، وارد دانشگاه می شویم می بینیم که زنجیره 0 تا 100 خود را می خواهد دنبال کند، در صنعت زنجیره 0 تا 100 را خودش را دنبال کند، در برنامه چهارم این را آوردیم ولی نه فهم شد و نه اجرا شد.

دکتر جعفر توفیقی:

من اگر بخواهم بحث آقای دکتر صدیق را دنبال کنم می گویم که مراکز پژوهشی ما مأموریتهایشان مشخص نیست، پژوهشگاه وابسته به صنعت هم دارد، تحقیقات بنیادی می کند، پژوهشگاه وابسته به وزارت هم دارد، تحقیقات بنیادی می کند و اینکه الان اینها رفتن به این سمت که دانشجو می پذیرند، خیلی از این ها به محیط های آموزشی تبدیل شده اند. این موارد را می شود مورد توجه قرار داد و هم به بحث اخلاق پژوهش پرداخت، واقعا یکی از چالش های جدی، بحث اخلاق در پژوهش است، بنابراین تصمیم بگیرید. اگر وسعت وقتی است من هم اول ترجیح می دهم که روی بحث چالش ها یک تاملی بکنیم، اگر کسی نظر اصلاحی دارد بدهد و تکمیل کند، بعد در فاز بعدی دو تا برنامه برای رفع این چالش ها بدهید، حالا مثلا اگر در بند 8 ما چهار راه حل برنامه به ذهنمان رسید، بعد ممکن است به این نتیجه برسیم که از این چهار تا، دو



تایش لازم است که وارد سند شود، مثلاً اینکه ما به مراکز پژوهشی دانشجو بدهیم، خودمان داریم این کار را می‌کنیم و لازم نیست وارد سند برنامه شود، اینکه تفکیک بین ماموریت‌هایشان قایل نیستیم بر عهده ماست و ما داریم ضعیف عمل می‌کنیم.

دکتر مقصود فراستخواه:

شما معتقدید مشکل اصلی این است که پژوهش ماموریت گرا نیست، خیلی خوب پس حتماً حضرتعالی یک مواجهه ای هم در ذهنتان تصور می‌کنید، مثلاً بهتر است که برای ماموریت گرا شدن باید این مداخله راهبردی را به عمل بیاوریم، آن چیست؟ و سهم برنامه ششم در آن کدام است؟ اگر به این صورت بحث بشود می‌توانیم به احکام برنامه برسیم

دکتر جعفر صدیق:

ما کاری که می‌توانیم انجام دهیم این است که بگوییم این یک چالش، بعد اصلاً زیرش 5 تا بند بخورد و مشخص کنیم که این زیر چالش‌ها اینهاست، و بدانیم که برای این زیر چالش‌ها باید راه حلی پیدا کنیم، پس یک قدم رو به جلو است.

من در این چالش ماموریت گرایی که در برنامه چهارم هم مطرح کردم در مقابل یک چیزی بود که به نظر من اشتباه بود، در ادبیات برنامه سوم توسعه موضوع تقاضا گرایی مطرح شد، تقاضا گرایی یعنی اینکه پژوهشگر اگر فقط از او سوالی شد حرف بزند. من اصلاً نمی‌گویم که حوزه های علوم انسانی باید خیلی آزادتر از این باشند، اصلاً در زمینه مهندسی هم همینطور..

یک مهندس روسی می‌گوید ما 25 درصد از بچه هایی که در دانشگاه تربیت می‌کنیم برای زمینه هایی تربیت میکنیم که اسمش را هم بلد نیستیم،

پس من نمی‌توان پژوهش کشور را تقاضا گرا کنیم، باید پژوهش کشور را ماموریت گرا کنم، ماموریت گرایی اگر باشد آنوقت مسایل دیگری حل می‌شود من می‌توانم به شما بگویم که روی فلسفه آموزش عالی فکر کنید، چون اگر نه ممکن است من بیراهه بروم، روی این فکر کنید در مورد چه چیزی کار کنیم پول تولید می‌شود، تقاضا گرایی ذیل ماموریت گرایی هم می‌آید، مثلاً می‌گویم صنعت در اینجا مشکل دارد، اگر پروژه بود اجرا کنید، بعد در این فضا ماموریت ساختارها را مشخص کنم، به شما بگویم جای شما یا در دانشگاه است، یا در موسسه پژوهش و برنامه ریزی، جایی که تعریف کردیم که پول دهیم کار بیسیک است، من سعی کردم باجایگزین کردن ماموریت گرایی به جای تقاضا گرایی که داشت پژوهش را به شدت محدود می‌کرد مقابله کنم،

دکتر مقصود فراستخواه:

به نظر من مأموریت گرایی کافی نیست، مهم این است که پژوهش در کشور قرار است مأموریت را از کجا بگیرد؟ از دیوان سالاری ناکارآمد دولت سالار؟ یا از بازار و از جامعه و از نهادهای حرفه ای و تخصصی و از انتخاب عقلانی؟ اینکه چه کسی پژوهشگاه پلیمر را درست کرده و ماموریتش را مشخص کرده است خیلی مهم است، ماموریت گرایی و اولویت گرایی وقتی



با ارزش است که آنها را جامعه بدهد نه دولت به صورت یکجانبه. ما الان هیچکدام را نداریم. مثلاً یک پولی به پژوهشگاه پلیمر داده می شود که مثلاً برود دانشجو بگیرد، یا فلان پروژه تحقیقاتی پایه و یا بهمان پروژه تحقیقاتی توسعه ای بکند.

دکتر یعقوب انتظاری (عضو هیات علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی):

من فکر میکنم که ما قبل از پریدن بایستی نگاه کنیم، ولی الان فکر میکنم قبل از نگاه کردن ما پریدیم. پرداختن به این چالش ها خیلی زود است اگر بیشتر تحلیل بکنید می رسید به مواد قانونی، حالا من یک پروژه ای تعریف کردم که ما در موسسه انجام بدهیم، البته با کار شما هم لینک دارد، تحت عنوان پروژه تدوین و مشایعت برنامه ششم، اگر جلسه صلاح بدانند من این را ارائه می دهم در واقع روشن می شود که منظور از ماموریت گرایی آموزش عالی نظام علم و فناوری یعنی چه؟



دکتر جعفر توفیقی:

شما چه چالش های اساسی را تشخیص می دهید؟ این را لیست کنید، برای اینکه بحث شروع شود این را عرض می کنم، مثلاً من به این بخواهم اضافه کنم، حالا در مورد کلمه های تقاضا و ماموریت با هم کنار بیاییم، پژوهش ها باید هدفمند باشند، حالا این هدفها بعضاً ابتکار و خلاقیت خود پژوهشگر است، بعضاً یک نیاز بازار است.

یعنی پژوهش را فقط به دست بازار نسپاریم، حالا ما می گوییم هدفمندی پژوهش.

مثلاً اگر من بخواهم به این دو مورد چند مورد دیگر هم اضافه کنم مثلاً بحث مدیریت منابع پژوهشی، یا مثلاً بحث ضعف در نظام اطلاعات و آمار پژوهشی، حالا ما در این جلسه خیلی به فکر صورت بندی کار نباشیم، این جلسه باید آزادتر فکر کند، ما ممکن است 10 مطلب بدهیم، آقای دکتر صدیق در آخر مدیریت صورت بندی را انجام دهند، و دو تا را استفاده کند. پس الان من خودم را محدود نمی کنم، ذهنم را باز می گذارم و به شما ده نکته می گویم، شما بعداً در دبیرخانه می گویند این دو نکته بهتر است استفاده شود، یا مثلاً توازن در دانش بنیادی و کاربردی و توسعه ای، باید برقرار شود.



در لیست چالش‌ها باید به یک توافق نسبی برسیم، چرا نسبی؟ برای اینکه ما حلقه آخر برنامه ششم نیستیم، یعنی اینکه دوستان یک جاهای دیگری را هم تعبیه کرده‌اند که حرفهای ما را به عنوان مواد اولیه در آنجا استفاده می‌کنند. لازم نیست که در این جلسه ما صد در صد مطمئن شویم که حرفهای درست می‌زنیم. الان برای نظام برنامه تقریباً یک اتاق فکریم. پس یک مقدار آزادتر فکر میکنیم. ممکن است شما بگویید که به یک چالش دیگری معتقد هستید. یا حتی ممکن است بگویید که اصلاً اعتقادی به توازن پژوهش‌های بنیادی ندارید. ایران باید مهد پژوهش‌های بنیادی بشود و کاری هم به پژوهش‌های کاربردی نباید داشته باشد. این مسؤل برنامه است که اینها را به سطوح برنامه می‌برد.

دکتر جعفر صدیق:

من در ابتدا گفتم عدم ماموریت گرایی الان به چالش دیگری رسیدم تحت عنوان ضعف هدفمندی پژوهش، و زیرگروهش می‌نویسم ضعف ماموریت گرایی، ضعف اولویت گرایی، یعنی ما در کشورمان بلد نیستیم به سمت اولویت‌ها حرکت کنیم، نظام مدیریت ما این کار را نمی‌کند. ضعف در آمار پژوهش‌ها، در کشورمان توان چرخاندن داده‌هایی که به وجود آمده است را نداریم، کاری که آن طرف دنیا شده است می‌بینیم ولی کاری که در کشور خودمان انجام شده است را نمی‌بینیم. ضعف توازن در تولید دانش بنیادی و کاربردی و توسعه‌ای، ما سه ایستگاه دیگر خواهیم داشت، یکی اینکه اینها باید برود در شورای راهبردی وزارتخانه، دوم اینکه باید برود در شوراهای و بعد ستاد برنامه سازمان برنامه که ما آنجا هم غایب هستیم. اگر کارهایمان عقبه محکمی نداشته باشد و درست merge نشده باشد راحت خط می‌خورد.

پس نباید اینجا انتظار داشته باشیم که به یک چیز نهایی برسیم این به ما کمک می‌کند یک قدم جلوتر برویم. بعد این جلو می‌رود و ما شش ماه درباره این موضوعات بحث خواهیم کرد وقتی ما به ماده نویسی میرسیم دوباره ممکن است یک جاهایی متوجه شویم که بعضی از اینها مهم نیست، بعضی‌ها مهم‌تر است، در نتیجه اصلاً انتظار نداشته باشید که امروز به یک حرف نهایی امروز زده شود.

دکتر جعفر توفیقی:

فرض بر این است که افرادی که در این جلسه آمدند و انتخاب شدند، اینها به یک پشتوانه اجرایی، مدیریتی و دانشی 20 یا 30 ساله وصل هستند. یعنی می‌خواهم بگویم وقتی شما مطلبی می‌گویید ما می‌دانیم که ده‌ها مقاله در این زمینه دارید، ده‌ها سخنرانی کردید، درس دادید، یعنی فکر نکنید همه چیز در اینجا لازم است که از صفر شروع شود، هر یک از اعضا جلسه که جمله‌ای می‌گویید می‌دانیم که مسئولیت و مدیریت داشتید، مطالعه دارید، مقاله دادید، سخنرانی دادید. و من با یک اطمینان بیشتری از نظرات دوستان در اینجا استفاده میکنم.

واقعیت این است که یک مرزی بین نقطه ضعف و مشکل و چالش نتوانیم به درستی رعایت کنیم. حالا بعضاً با آن تعاریفی که از دوستان می‌شنویم، که چه تعریفی از چالش دارند، نقطه ضعف مسئله موجود را چگونه تعریف می‌کنند؟ ما داریم حرفهایمان را راحت می‌زنیم. تاکید من این است که دوستان نظراتشان را راحت‌تر بگویند، بعد در سطح دیگری پشت این پنل می‌توان مدیریت بهتری را روی واژه‌ها، روی عبارات، روی ادغام بعضی جملات انجام داد. الان در بند 8 دوستان اگر مساله‌ای را تجربه کردند و یا مواجه هستند و می‌خواهند در این لیست قرار بگیرد، مطرح کنند.

دکتر رضا منیعی (معاون پژوهشی و عضو هیات علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی):

در آیین نامه ارتقا می گوید اگر هیات علمی آموزشی وظایفش را خوب انجام ندهد به هیات علمی پژوهشی تبدیل می شود. یعنی این که یک رویکرد پژوهش هم وجود دارد خیلی جالب است. و واقعا نسبت بین کسی که هیات علمی پژوهشی و آموزشی است این تفاوت مشخص است. ما الان 630000 دانشجوی تحصیلات تکمیلی داریم، اگر یک سوم اینها درگیر کار پایان نامه باشند یعنی بیش از 200000 نفر که در این کشور دارند تحصیلات تکمیلی می خوانند و در مرحله تدوین پایان نامه و رساله هستند. می توانم بگویم که هدفمند نیست. هر کس کاملا موضوعات تکراری، خیلی بی پایه و اساس و.. اینها اگر درست هدایت شوند و هر کدام یک گوشه ای از یک مسئله را حل کنند می توانند یک تحول جدی ایجاد کنند. در اسناد و مدارک حرفهای قشنگی می زنند، می گویند سهم پژوهش از تولید ناخالص داخلی تا سه درصد هم پیش بینی شده است. در بیانات مقام معظم رهبری هم اشاره شده 4 درصد ولی عملا این تحقق پیدا نمی کند.



دکتر یعقوب انتظاری:

ما چیزی که محاسبه میکنیم بودجه دولت است در حالی که یک شرکتی مرکز R&D دارد آنجا هزینه می کند و این به حساب می آید، اگر محاسبه کنیم همان 1 تا 1.5 درصد می شود.

دکتر رضا منیعی:

به نظرم در پژوهش عدم ارتباط دانشگاه با صنعت، این یک ضعف جدی است که پژوهش های ما شکل نمی گیرد و خوب توسعه پیدا نمی کند این در واقع هم با صنعت هم با جامعه هم اشاره شد که میتواند در ذیل این حوزه پژوهش و فناوری هم مطرح شود.

دکتر یعقوب انتظاری:

این با چه روشی این تقسیم بندی صورت گرفته، آیا یک نگاه سیستمی پشتش بود یا از آن متدولوژی سیستمهای نرم استفاده شده یا همینطوری هر چیزی که به ذهنمان رسیده است را نوشتیم. در مورد بند 8، در کنار یک موضوع بسیار کلان مثل عدم تقاضای واقعی برای پژوهش آورده شود آیا در رفاه اجتماعی کیفیت زندگی تاثیر دارد. کدام مقالات؟ آیا پاسخگویی



اجتماعی برای تمام نظام علمی لازم است؟ در یک نگاه سیستمی که ما نگاه بکنیم این عدم تقاضای واقعی برای پژوهش اصلا از حیطه آموزش عالی خارج است این به نظام های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، به خصوص نظام اقتصادیاين بر می گردد، اینکه اقتصاد ما دانش محور نیست، تقاضای پژوهش کم است، آیا شما هم وقتی برای آموزش عالی برنامه ریزی می کنید می توانید تقاضا برای نظام اقتصادی را افزایش دهید؟ یا اینکه هدفان را روی این قرار بدهید که بیشترین اثر را بر نظام اقتصادی داشته باشیم، یا فرض کنید شما نظام پژوهشی یا تولید دانش را به گونه ای سازماندهی و مدیریت کنید که بیشترین اثر را بر نظام اقتصادی داشته باشد، وقتی ما بیشترین اثر را بر جای بگذاریم، در یک سیکل بلند مدت، تقاضا برای پژوهش هم بیشتر می شود. بنابراین ما بایستی در تعریف آن الزامات پژوهشی یا مواد قانونی که می خواهیم تعریف بکنیم، ابتدا بایستی از سیستم های کلان تر شروع کنیم. یعنی هدفمان را بر مبنای اثر بگذاریم رسیدن به بیشترین اثر در نظر بگیریم، نه در خط این سیستم بگوییم ما این کار را می کنیم یا این کار را می کنیم و بعد معلوم هم نیست که آیا این به بالاترین اثر می رسد یا نه؟

دکتر جعفر توفیقی:

این نکته وارد است که وقتی ما یک مسئله یا چالشی را تشخیص می دهیم، ممکن است در راه حل هایی که در ذهن های شماست ممکن است راه حل خارج از نظام آموزش عالی باشد، هیچ اشکالی ندارد که ما این را وارد کنیم، یعنی شما اگر این عدم تقاضا را ریشه اش را در نظام اقتصادی می بینید، ما می توانیم حکم پیشنهاد کنیم، ما می توانیم ماده پیشنهاد کنیم، کما اینکه ما در قانون برنامه چهارم آن ماده 49 را که آوردیم، در برنامه پنجم در بند ب ماده 20 آوردیم اصلا راه حلش خارج از نظام است ما گفتیم که دانشگاه ها از تمام قوانین و مقررات کشور مستثنی هستند، یعنی دست مجلس، دیوان محاسبات را بستیم، قانون استخدام کشوری را دور زدیم، قانون محاسبات عمومی را دور زدیم، یعنی ذی حساب ها که از دانشگاه ها رفتند بیرون اختیار ما نبود ولی در برنامه بود. یعنی نکته شما درست است ولی ما از این مسئله منع نشدیم، یعنی شما میتوانید یک حکمی پیشنهاد کنید که مربوط می شود به تحرک در نظام اقتصادی. ما در قانون چهارم آوردیم که پارک ها و مراکز رشد مشمول قوانین و مقررات مراکز و مناطق آزاد تجاری هستند، حل شد و رفت تصویب شد. بنابراین می خواهیم بگوییم شما خودتان را محدود نکنید اگر برای عدم تقاضای واقعی برای پژوهشی بخشی از راه حل را در خارج از نظام وزارت علوم و آموزش عالی می بینید پیشنهاد کنید آن قابل حل است. در احکام برنامه نمونه زیاد دارد که این کار زیاد اتفاق افتاده است. برنامه ریزی جزیره ای در قانون برنامه جواب نمی دهد.

آقای احمد رضا روشن (عضو هیات علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی):

در مورد موضوع پژوهش و تولید دانش، چند نکته به ذهن من رسید اول اینکه الگوی تامین مالی پژوهش در ایران مشخص است و راهکار بهینه تامین مالی هم تعیین نشده، اینکه نقش و سهم دولت و نقش و سهم بخش خصوصی چقدر باید باشد، الگوی بهینه تخصیص منابع مالی پژوهش هم مشخص نیست، یعنی اینکه ما به کدام بخش ها، کدام رشته ها باید بها دهیم با توجه به مزیت نسبی، رقابتی، تخصیص چه باید باشد، اینها در کشور ما مشخص نیست، باید بر روی آن کار تحقیقی انجام شود.



یک مشکل دیگر حلقه های پس از پژوهش است که باید به آنها توجه شود، یک پژوهش داریم و نتایج پژوهش، حلقه بعدی R&D است، حلقه بعدی محصولات و تکنولوژی است. الان در دنیا چیزی که وجود دارد این است که پژوهش و نتایج آن یک کالای عمومی است و آن حلقه محصولات و تکنولوژی قابل دسترسی است. اما مشکل ما مشکل بخش R&D است، یعنی اینکه چگونه می شود پژوهش را با یک حلقه واسط به نام R&D به محصولات و تکنولوژی ها تبدیل کرد. پیشنهاد کاربردی این است که باید بنگاه هایی که R&D دارند به صورت مختلف تشویق شوند، مثل تامین مالی، وام دادن و... اینها تشویق شوند و اینکه کارایی شان رصد شود. پس الگوی تامین منابع مالی پژوهش، الگوی بهینه تخصیص منابع پژوهش و اصلاح حلقه های پس از پژوهش و تشویق واحد های دارای R&D از پیشنهادات بود.

دکتر مقصود فراستخواه:

پژوهش به شکل کمی آن دارد در جامعه جرمش بیشتر می شود ولی بهره وری پژوهشی نداریم. یک نوع تدابیر جامعه مدار نه دولت مدار برای بهره وری پژوهش و استاندارد شدن پژوهش را لازم داریم. پژوهش هایمان استاندارد نیستند. نکته ای که می خواستم بگویم در مورد بحث آقای دکتر منیعی در مورد پژوهش های دانشگاهی است، آیین نامه ارتقا تعداد مقالات ما را می شمارد و برای ما در ممیزی پاداش می دهد، آیا تأثیر اجتماعی و SOCIAL IMPACT هم بررسی می شود؟ مثلاً می گوید نرخ رشد مقالات ما در دنیا این است و در نتیجه فلان معضل هم دارد حل می شود؟ آیا شاخص هایی داریم که ببیند SOCIAL IMPACT این مقالات چه بوده؟ آیا تأثیر اجتماعی داشتند، ما لازم داریم که در واقع شاخص هایی برای ارزیابی تأثیر اجتماعی پژوهش در کشور، چقدر به رفاه اجتماعی، چقدر به کیفیت زندگی کمک می کند، شاخص هایی برای ارزیابی این نداریم. در نتیجه در برنامه ششم در حد ظرفیت برنامه ششم اگر صلاح دیده شود لازم است تکالیفی برای دولت مشخص کرد که حداقل در ارتباط با بهره وری، استاندارد شدن و تأثیر اجتماعی پژوهش ها و مخصوصاً پژوهشهای دانشگاهی، چه اعضای هیات علمی و چه مخصوصاً پایان نامه ها از نظر محصولات منتج از پژوهش و کیفیت زندگی و تأثیر اجتماعی اش تعیین شود.

خانم مریم حسینی (عضو هیات علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی):

گاهها دانشجویان نمی دانند که چه موضوعاتی را باید انتخاب کنند همیشه انتخاب موضوع و مسئله پژوهش گام اول در پژوهش است ولی واقعا هیچکس نمی داند یعنی نیازش را نمی داند، نه دانشگاه نیازش را می داند و حتی موسسات



پژوهشی. من دیدم جاهایی را که موسسه پژوهشی است که عضو هیات علمی پژوهشی اش نمی داند که باید درباره چه تحقیق کند. پراکنده گی تخصص را می بینید. یعنی یکی در حوزه زنان، کارآفرینی، چالش های آموزش عالی تا هر چیز دیگر کار میکند یعنی نیاز گروه و دپارتمان مشخص نیست. هیچگونه نیازسنجی صورت نگرفته چه در حوزه فردی و چه در حوزه سازمانی. بحثی که برای من خیلی جالب بود این بود که به هر یک از اعضای هیات علمی که تماس می گرفتیم نمی دانستند چقدر کتاب و چقدر مقاله نوشتند. وجود یک بانک اطلاعات جایش خالی است. موضوع دیگر بحث اثربخشی است که اینکه حالا ما همه این کارها را کردیم، چرا هیچ فرهنگی وجود ندارد که یک جایی از نتایج این پژوهش استفاده شود یعنی الزامی وجود ندارد. یعنی پژوهش می شود صرفا به خاطر اینکه یک بودجه ای هزینه شود ولی نمود و کاربرست بیرونی را نمی بینیم.



دکتر مقصود فراستخواه:

الان وضعیت دانشگاه به این صورت شده است که پایان نامه های ارشد و دکتری و همینطوری انتخاب می شود در بعضی ها ممکن است خلاقیت و پویایی هایی هم باشد ولی کم است، می تواند به جای عناوین متفرقه پایان نامه های ارشد و دکتری در برنامه ششم این پالایش و بررسی شود. هر دانشگاهی برنامه پژوهشی (RESEARCH PROGRAM) برای خودش داشته باشد؛ مثل اولویت های پژوهشی، مثلا در دپارتمان مهندسی شیمی واقعا آیا حوزه شیمی دانشگاه تربیت مدرس خط تولیدش در حوزه شیمی چیست؟ برای 5، 10 یا 20 سال آینده کشور چیست و این خط تولید دانش با چه توجیه منطقی (Justification) و عقلانی تعریف می شود و این شامل چه مسیرهای خاصی است؟ بعد اینها می شود چند خط اصلی که می شود یک برنامه پژوهشی که باز هم اول تا آخرش مشخص است. مثلا دانشگاه یک طرح کلان (Master Plan) داشته باشn و تمام طرح ها از طریق این مسترپلن دنبال شود. آیا در برنامه ششم وقتش است؟ این کارهایی که در برنامه ششم باید اجرا شود را باید بررسی کنیم که آیا ما به مرحله ای رسیده ایم که از این کارهای هردمبیلی پایان نامه های دانشگاهی بیرون بیاوریم و برنامه ششم از دانشگاه ها حمایت بکند که با آزادی و استقلال علمی یک خط تولید دانش در دانشگاه داشته باشند و روی اولویت ها بنشینند بررسی بکنند و استادان روی برنامه های پژوهشی و مسترپلن های بنشینند و در قالب پاسخگویی به جامعه و تعامل با صنعت و نهایتا بررسی تأثیرات اجتماعی، بررسی بکنند که پایان نامه های دانشجویی تحصیلات تکمیلی چه اولویت هایی را باید در طول پنج سال پاسخ بدهد؟



آقای احمد رضا روشن:

ما بازار پژوهش نداریم یعنی طرف عرضه وجود دارد ولی طرف تقاضا خیلی ضعیف است. باید ببینیم چگونه می توانیم این بازار را تقویت کنیم یک راهش به نظرم تقویت رقابت در اقتصاد است. یک راهکار برای اینکه کیفیت پژوهش بالا رود به نظرم این است که باید لینک های بین المللی ایجاد شود. به نظرم هیچ بحثی در آموزش عالی پیش نخواهد رفت مگر اینکه بحث بین المللی شده و مرزهای دانش را هم وارد داستان کنیم، باید با مراکز معتبر بین المللی و پژوهشی ارتباط برقرار کنیم . تقویت این لینک بین المللی با مرزهای دانش بین المللی و تقویت مراکز معتبر پژوهشی دنیا خیلی می تواند به بخش پژوهش و چالش کمک کند.

دکتر یعقوب انتظاری:

در کشور ما مشخص نیست که واقعا کارهای پژوهشی چقدر به رشد اقتصادی کمک می کند. هم در سطح کلان و هم در سطح صنایع اینگونه است. یعنی ما نمی دانیم تحقیقات شیمی چقدر به ارزش افزوده صنایع شیمیایی کمک کند. این موسسه اگر در این مورد هم مطالعاتی انجام دهد می تواند کمک کند.

دکتر جعفر توفیقی:

ما در این جلسه هر چه به ذهنمان بیاید می گوییم ولی دوستان هم میتوانند بعضی از نکات را تلفیق کنند، و راهبرد کلی تری بدهند، هم میتوانند تصمیم بگیرند که کدام ها به درد وزارت می خورد و کدام ها باید به برنامه برود.

اینکه مدیریت منابع پژوهشی و الگوی تامین منابع، الگوی تخصیص منابع مالی بازنگری شود، اینها می تواند از یک خانواده باشد؛ یعنی بازنگری در تامین منابع، تخصیص منابع و مدیریت منابع این خودش یک بحث بسیار جدی است.

یا تکمیل زنجیره تولید دانش بنیادی تا دانش فنی هم بحث خوبی است. یعنی ما در کجای این زنجیره داریم متوقف می شویم. الان عمدتا در بحث پژوهش بنیادی و کاربردی نمی گویم متوقف... من قبول دارم که در پژوهش پراکندگی است، اما بعضی تجربیات مثبت هم داریم؛ حالا می توانیم در مورد اینها صحبت کنیم. عملا اتفاقی که دارد می افتد و اینکه می گوییم دانشگاه برنامه ندارد، متأسفانه قبل از آن استاد برنامه پژوهشی ندارد. من اینها را بارها در دانشگاه خودم هم مطرح کردم.

یعنی الان هیات علمی در دانشگاه رهاست نه کسی به کیفیت تدریسش کار دارد نه کسی به کیفیت پژوهشش کار دارد، هیچ کس نیست بگوید اگر می خوای ارتقا پیدا کنی از 100 مقاله 20 تایش باید به هم مرتبط باشد تا من پژوهشگر آن حوزه بدانم. یعنی نمی داند دانشیار چه حوزه پژوهشی می شود. نمیتوانید بگویید این آدم پژوهشگر است در مورد فلان ماده شیمیایی.

به نظر من از نکاتی که قابلیت دارد در برنامه دیده شود تقویت کمی و کیفی واحدهای تحقیق و توسعه در بنگاههای صنعتی و اقتصادی است. این کاملاً تحریک تقاضا است . یعنی یکی از بزرگترین مصرف کنندگان دانش در دنیا واحدهای تحقیق و توسعه بنگاههای اقتصادی و صنعتی است خودشان هم تولید تکنولوژی می کنند و هم دانش دانشگاهها را مصرف می کنند.



بحث بهره‌وری پژوهش، استانداردسازی پژوهش، تدوین شاخص‌هایی برای ارزیابی اثربخشی پژوهش در اقتصاد و... می‌تواند یک مجموعه خیلی خوبی باشد. یا برای شکل‌گیری اقتصاد دانشگاه‌ها اگر دکتر انتظاری بتوانند چند گزاره از داخل این دربیابند، هدفگذاری، مأموریت‌گذاری، بهره‌وری و... اگر بتواند از این حالت کلی خارج شوند و دو گزاره را انتخاب و بگویند این وارد برنامه شود خیلی خوب است.

منابع پژوهشی به تفکیک بخش خصوصی و دولتی ...

بحث بازنگری در آیین‌نامه‌ها و مقررات پژوهشی هم در جهت اطمینان بخشی از کیفیت پژوهش هم اثر بخشی و بهره‌وری و تحریک تقاضا، بحث اثر بخشی اجتماعی، کارایی در آیین‌نامه‌های ارتقا از زوایای مختلف، مثلاً به ازای هر مقاله‌ای که تولید می‌کنیم چقدر هزینه می‌کنیم در این باره آمار درستی نداریم.

دکتر مقصود فراستخواه:

یک زمانی بود که بخش صنعت و اجرایی بخشی از درامدش را به عنوان حمایت برای دانشگاه در نظر بگیرد در این حوزه عملکرد واقعی کشور چه بود؟

دکتر جعفر توفیقی:

در برنامه پنجم دستگاهها موظف بودند یک تا سه درصد از اعتبارات جاری‌شان را صرف هزینه‌های پژوهشی بکنند. البته در قانون بودجه 93 بود که الان در قانون 94 حذف شد. در برنامه چهارم یک درصد بود و در قانون بودجه سال 93 یک تا سه درصد شد. در قانون بودجه 94 حذف شد. الان دارند پیگیری می‌کنند که چرا حذف شد.

دکتر مقصود فراستخواه:

بخش علم و فناوری برنامه ششم که فقط منحصر به آموزش عالی نیست، بلکه کل نظام علمی باید بررسی بشود. یعنی پژوهش و فناوری و آموزش و پرورش هم هست. به نظرم موسسه به تنهایی نمی‌تواند کار کند، یعنی از نظر اخلاقی درست نیست که موسسه به تنهایی عهده‌دار کل نظام علمی برنامه شود حداقل از مراکزی مثل مرکز سیاست‌های علمی کشور، و پژوهشکده مطالعات فناوری و سایر مراکز مثل پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی و حتی پژوهشکده آموزش و پرورش حتماً باید بیایند و در مرکز کار قرار بگیرند. چون ما اطلاعات کافی باید داشته باشیم که بتوانیم در یک کاری مشارکت کنیم. حتی شرکت دادن آنها در سطوح ناکارآمد هم فایده ندارد. باید در سطح مدیریت عالی تدوین برنامه ششم و راس تصمیم‌گیری‌هایی که در دبیرخانه اتفاق خواهد افتاد مشارکت داشته باشند.

**دکتر جعفر توفیقی:**

چند نکته و عبارتهایی که استفاده شده ، اینکه بازار پژوهش شکل نگرفته، یا اینکه نیازسنجی برای اولویت های پژوهشی نداریم، می شود اینها را ترکیب کرد در یک جمله کلی تر اینکه ؛ رابطه پژوهش با رشد اقتصادی ، تقویت بخش خصوصی در پژوهش که باز این در برنامه های قبلی آمده است ولی می تواند بازسازی و تکرار شود.

دکتر یعقوب انتظاری:

اگر در اقتصاد کشور ما آزادی و رقابت برقرار شود نیازی به هیچ یک از اینها نیست تا این حاکم نباشد ما هر کاری هم بکنیم به نتیجه نخواهد رسید. ما در نظام اقتصادی رقابت نداشته باشیم، نه رقابت درون زا، بلکه رقابت برون زا، رقابت با کشورهای دیگر اگر این رقابت نباشد ما هیچ ثمربخشی نخواهیم داشت.

پایان